

منظر به مثابه منبع توسعه

(حفاظت از منظر روستا، گامی مهم در فرایند توسعه، مورد مطالعه: روستاهای شهرستان کوهدشت)*

مریم مجیدی**

گروه معماری منظر، پژوهشکده هنر، معماری و شهرسازی نظر، تهران، ایران

نگین رجب‌بوجانی

گروه معماری منظر، دانشکده معماری، دانشکده‌گان هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، ایران

زینب رضائی

گروه معماری منظر، دانشکده معماری، دانشکده‌گان هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، ایران

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۶/۰۹ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۸/۲۵ تاریخ فرارگیری روی سایت: ۱۴۰۴/۱۰/۰۱

چکیده | تحولات معاصر در عرصه توسعه، منظر روستاهای ایران را دستخوش دگرگونی‌های بنیادین کرده است؛ دگرگونی‌هایی که نه تنها ساختار کالبدی و کارکردی، بلکه معنا و هویت منظر روستایی را نیز متأثر ساخته‌اند. این پژوهش با تکیه بر رویکرد مکان‌محور و مفهوم منظر به‌مثابه منبع، در پی آن است که نشان دهد چگونه بی‌توجهی به ابعاد معنایی و فرهنگی مکان در طرح‌های توسعه‌ای، موجب تضعیف بنیان‌های هویتی و تخریب منظر روستایی می‌شود. روش پژوهش، کیفی و مبتنی بر تحلیل پدیدارشناسانه سه مطالعه موردی در شهرستان کوهدشت (روستاهای پای‌آستان، خسروآباد، ابوالوفا و سرخ‌دم لکی) در شهرستان کوهدشت است. داده‌ها از طریق مشاهده میدانی، تحلیل اسناد طرح‌های توسعه گردآوری و با رویکرد تحلیل تفسیری بررسی شده‌اند. یافته‌ها نشان می‌دهد که طرح‌های توسعه در این روستاها عمدتاً با نگاهی کالبدی و بخشی‌نگر، بدون درک هستی‌شناسانه مکان، موجب گسست در پیوند میان عناصر تاریخی، فرهنگی و طبیعی شده‌اند. در نتیجه، شاخص‌های مکان‌ساز همچون «روابط نظام‌مند عناصر میراثی»، «رویدادپذیری فضاهای جمعی»، «مرکزبودن عناصر قدسی»، «دید و منظر» و «ارگانیک بودن» در روند توسعه نادیده گرفته شده‌اند. این پژوهش نتیجه می‌گیرد که حفاظت از منظر روستایی، امری صرفاً زیباشناختی یا میراثی نیست، بلکه بنیانی برای تحقق توسعه‌ای پایدار و درون‌زاست؛ توسعه‌ای که از درک مکان به‌مثابه منبع و از خوانش هستی‌شناسانه فضا برمی‌خیزد. در این چارچوب، توجه به مفهوم منظر به‌عنوان منبع در سیاست‌گذاری توسعه، می‌تواند الگویی بومی و مقاوم در برابر روندهای یکسان‌ساز و غیرزمینه‌مند توسعه فراهم آورد.

واژگان کلیدی | منظر روستایی، توسعه مکان‌محور، منظر به‌مثابه منبع، شهرستان کوهدشت.

و معنای منظر در حال دگرگونی و تفسیر مجدد هستند. تغییرات در ترکیب اجتماعی نواحی روستایی (تازه‌واردان، ساکنان، گردشگران) معنای نمادینی را که بازیگران مختلف روستایی (از جمله خانوارهای کشاورزی) به کشاورزی، طبیعت و مناظر روستایی نسبت می‌دهند، تحت تأثیر قرار می‌دهد. منظر روستایی، نه تنها بازتابی از تعاملات تاریخی، فرهنگی و زیست‌محیطی میان انسان و طبیعت است، بلکه به‌مثابه یک «منبع» (resource) ارزش‌های نمادین، منابع تولیدی و هویت‌های محلی عمل می‌کند (Antrop, 2005; Rega, 2014). در دهه‌های اخیر، فرایندهای توسعه‌ای در مناطق روستایی اعم از پروژه‌های عمرانی، گردشگری، کشاورزی صنعتی و تغییرات کاربری زمین، تأثیرات عمیقی بر ساختار و عملکرد منظرهای

امروزه منظر روستاها در حال تغییر هستند. جریان سرمایه، مردم، کالاها و اطلاعات، بر کارکردها و شکل‌های منظر روستایی تأثیر می‌گذارند و شخصیت آن را تغییر می‌دهند. جریان‌های توسعه منجر به ایجاد زمین‌های کشاورزی متروک، خانه‌های خالی از سکنه و مناظر متروکه در مناطق روستایی شده است. ساختارها، الگوها و عملکردهای منظر در روستاها تغییر کرده‌اند. منظرهای فرهنگی محلی تخریب شده، فعالیت‌های تولیدی کاهش یافته و زمینهای کشاورزی، جنگلها و منابع طبیعی به‌دلیل شهرنشینی و توسعه صنعتی به‌سرعت در حال کاهش هستند. تغییرات عمیق در روابط فرهنگی، نهادی، اقتصادی و طبیعی به‌وجود آمده و ارزش‌ها

** نویسنده مسئول: ۰۰۹۳۶۳۲۶۱۱۷۸@nazar.ac.ir maryam.majidi

روستایی گذاشته‌اند. این مداخلات در بسیاری موارد، بدون توجه به ویژگی‌های خاص مکان و با نادیده گرفتن ظرفیت‌های بومی صورت گرفته‌اند؛ در نتیجه، منجر به تخریب عناصر طبیعی، تضعیف هویت فرهنگی و کاهش انسجام فضایی در روستاها شده‌اند (ELC, 2000; Kizos & Iosifides, 2007).

شهرستان کوهدشت یکی از شهرستان‌های استان لرستان، با دارا بودن تنوع طبیعی، فرهنگی و تاریخی، نمونه‌ای بارز از منظرهای روستایی آسیب‌پذیر در برابر توسعه‌های ناهماهنگ است. این شهرستان با سابقه سکونت حدود ۷۰ سال، طی اصلاحات ارضی دوره پهلوی شکل گرفته و تاکنون پذیرای طرح‌های توسعه مختلفی چون طرح‌های جامع شهری و هادی روستایی بوده است. متأسفانه به دلیل عدم توجه این طرح‌ها به مقوله مکان که تلفیقی از تاریخ و جغرافیاست، نه تنها موفقیتی در امر توسعه کسب نکرده‌اند، بلکه با از بین بردن سرمایه‌های طبیعی، فرهنگی و با ایجاد فقر و کاهش فرصت‌های شغلی، منطقه کوهدشت اکنون با بحران از دست رفتن منابع انسانی روبه‌روست.

بنابراین، حفاظت از منظر روستاهای این منطقه، نه تنها اقدامی زیباشناختی یا محیط‌زیستی، بلکه گامی بنیادین در جهت تحقق توسعه‌ای متوازن، پایدار و مبتنی بر ظرفیت‌های بومی است. این مقاله با تمرکز بر مفهوم منظر به مثابه منبع، تلاش دارد تا تأثیرات اقدامات توسعه‌ای را بر ساختار و معناهای منظر روستایی در کوهدشت بررسی کرده و ضرورت رویکرد مکان‌محور در برنامه‌ریزی توسعه را تبیین کند. در این راستا این مقاله در پی پاسخ به این پرسش است که: چگونگی فهم و قرائت مکان روستا چه نقشی در حفاظت آن از فرایندهای مخرب احتمالی توسعه دارد؟ جایگاه حفاظت مکان در طرح‌های توسعه چه باید باشد؟ به نظر می‌رسد توجه به منظرها به عنوان قسمی از مکان، یک الگوی احتمالی جدید برای یک مدل توسعه هستند که به‌طور هماهنگ عوامل فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و محیطی را ادغام می‌کنند. بنابراین به نظر می‌رسد حفاظت از منظر روستاها باید به عنوان یکی از ابعاد توسعه در نظر گرفته شود.

روش پژوهش

این پژوهش از نظر ماهیت و هدف، کاربردی و از نظر رویکرد، کیفی است. هدف اصلی آن، واکاوی تأثیر طرح‌های توسعه بر منظر روستاست. در این راستا، پژوهش به جای اتکا بر سنجش‌های کمی، بر درک پدیدارشناسانه از مکان و تجربه زیسته ساکنان تأکید دارد. روش اصلی گردآوری داده‌ها مشاهده میدانی، تحلیل محتوای اسناد و طرح‌های توسعه است. در مرحله نخست، سه روستای پای‌آستان، سرخ‌دم لکی و ابوالوفا به عنوان نمونه‌های موردی هدفمند و با توجه به ویژگی‌های طبیعی-فرهنگی و میزان مداخله طرح‌های توسعه انتخاب شدند. انتخاب نمونه‌ها بر مبنای نمونه‌گیری هدفمند صورت گرفت تا امکان مشاهده عمیق تأثیرات توسعه فراهم شود. در مرحله دوم، برای هر مورد، مطالعات میدانی چندوجهی شامل

مستندسازی تصویری، ترسیم نقشه‌های تحلیلی، شناسایی عناصر طبیعی و فرهنگی، و بررسی تطبیقی با اسناد طرح‌های توسعه (از جمله طرح هادی روستایی) انجام شد. این داده‌ها به صورت تحلیل تفسیری و مقایسه‌ای مورد بررسی قرار گرفتند تا الگوهای مشترک در تغییر منظر و هویت مکانی استخراج شود. تحلیل داده‌ها در دو سطح صورت گرفت:

۱. تحلیل کالبدی-منظرین: ارزیابی تغییرات فضایی و بصری در بستر طبیعی روستا؛

۲. تحلیل ادراکی-معنایی: واکاوی ذهنیت ساکنان از مکان و دگرگونی حس تعلق؛

در مجموع، رویکرد پژوهش حاضر با اتکا بر تحلیل تفسیری منظر و مکان، کوشیده است تا از خلال مشاهده و تفسیر، به درکی عمیق از رابطه میان توسعه، طبیعت، فرهنگ و ادراک انسانی در بستر روستاهای شهرستان کوهدشت دست یابد.

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

• منظر و مکان

مفهوم «مکان» در ادبیات جغرافیا، منظر و معماری، فراتر از یک موقعیت جغرافیایی صرف یا فضای فیزیکی است و به عنوان ساختاری چندبعدی شامل ابعاد فضایی، فرهنگی، اجتماعی و تجربی در نظر گرفته می‌شود. یکی از مهم‌ترین نظریه‌پردازانی که به طور نظام‌مند به تبیین مفهوم مکان پرداخته، نوربرگ شولتز است. او در کتاب مشهور خود^۱، از «روح مکان» نام می‌برد؛ مفهومی که ریشه در سنت رومی دارد و به نیروی حافظ و هویت‌بخش هر مکان اشاره دارد. از نگاه شولتز، مکان ترکیبی از عناصر طبیعی، فرهنگی، تاریخی و فضایی است که در تعامل با تجربه انسانی، «فضای زیسته» را شکل می‌دهد. او تأکید می‌کند که معماری باید در خدمت آشکارسازی و تقویت این روح مکان باشند، نه در جهت حذف یا نادیده گرفتن آن. به زعم توآن (Tuan, 1977)، مکان زمانی شکل می‌گیرد که فضا با معنا، تجربه و دلبستگی انسانی آمیخته شود؛ به عبارت دیگر، «فضا» با تجربه زیسته به «مکان» تبدیل می‌شود. وی مکان را حاصل تجربه انسانی از فضا می‌داند؛ فضایی که با خاطره، معنا و دلبستگی آمیخته شده و به مکان تبدیل می‌شود. ماسی (Massey, 1994)

نیز بر پویایی و چندصدایی بودن مکان تأکید دارد و آن را محصولی از روابط اجتماعی، تاریخی و اقتصادی می‌داند که در بستر جغرافیایی خاصی تثبیت شده‌اند. در همین راستا رلف (Relph, 1976) مفهوم «هویت مکان»^۲ را مطرح می‌کند که به پیوند عاطفی و ادراکی افراد با محیط زندگی‌شان اشاره دارد. در رویکرد مکان‌محور به توسعه، این تعاریف اهمیت می‌یابند؛ چرا که نشان می‌دهند هر مکان دارای ویژگی‌های منحصر به فردی است که باید در سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی توسعه‌ای لحاظ شود (Healey, 2006). در نتیجه، درک عمیق از مفهوم مکان و ابعاد معنایی و اجتماعی آن، پیش شرطی

و فراگیر در نظر می‌گیرند، بر این باور است که هر منطقه دارای شرایط اجتماعی، فرهنگی، زیست‌محیطی و نهادی خاصی است که باید در طراحی مداخلات توسعه‌ای لحاظ شود. در چارچوب این رویکرد، مکان نه تنها به عنوان یک بستر جغرافیایی، بلکه به عنوان یک سیستم اجتماعی-اکولوژیکی پویا در نظر گرفته می‌شود که در آن تعاملات میان انسان، طبیعت، نهادها و ساختارهای قدرت شکل می‌گیرد (Mubangizi, 2024). مطالعات اخیر نشان می‌دهند که تمرکز بر مکان خاص، به ویژه در مناطق روستایی، می‌تواند به درک عمیق‌تری از پیچیدگی‌های نهادی، فرهنگی و زیست‌محیطی منجر شود و در نتیجه، راهکارهایی مؤثرتر و متناسب‌تر برای توسعه پایدار ارائه دهد (Prosser, 2021). رویکرد مکان‌محور همچنین بر مشارکت فعال کنشگران محلی، استفاده از دانش بومی، و تقویت سرمایه اجتماعی تأکید دارد. این ویژگی‌ها باعث می‌شوند که سیاست‌های توسعه‌ای نه تنها از بالا به پایین، بلکه از پایین به بالا نیز شکل بگیرند و در نتیجه، مشروعیت و اثربخشی بیشتری داشته باشند. به عنوان مثال، در مطالعه‌ای در جنوب ایتالیا، مشخص شد که مداخلات توسعه‌ای که بر پایه شناخت دقیق از ویژگی‌های محلی و مشارکت جوامع طراحی شده بودند، نتایج به مراتب پایدارتری نسبت به برنامه‌های عمومی و غیرزمینه‌مند داشتند (Sgroi et al., 2017). افزون بر این، رویکرد مکان‌محور می‌تواند به عنوان الگویی برای همکاری‌های بین‌المللی نیز عمل کند؛ چرا که یافته‌های محلی، در صورت تحلیل تطبیقی، قابلیت تعمیم به چالش‌های جهانی را دارند و می‌توانند در طراحی سیاست‌های کلان نیز مؤثر باشند (Mubangizi, 2024). در زمینه منظر روستایی، رویکرد مکان‌محور اهمیت ویژه‌ای دارد. در این چارچوب، حفاظت از منظر به عنوان بخشی از فرایند توسعه، مستلزم شناخت دقیق از ویژگی‌های خاص مکان، از جمله الگوهای فضایی، عناصر فرهنگی، عناصر طبیعی و روابط اجتماعی است. بنابراین، در مناطقی مانند شهرستان کوه‌دشت که دارای تنوع طبیعی و فرهنگی بالایی هستند، اتخاذ رویکرد مکان‌محور می‌تواند به حفظ منظر، تقویت هویت محلی و ارتقاء کیفیت توسعه منجر شود.

• منظر و توسعه

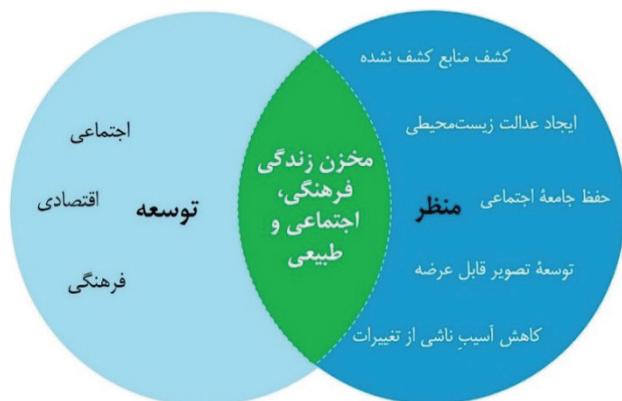
در دهه‌های اخیر، مفهوم «منظر» در علوم محیطی، جغرافیا و برنامه‌ریزی فضایی دچار تحولی بنیادین شده است. منظر دیگر صرفاً به عنوان جلوه‌ای بصری از محیط طبیعی یا فرهنگی تلقی نمی‌شود، بلکه به مثابه «منبعی چندبعدی» برای پشتیبانی از حیات انسانی، اقتصادی و فرهنگی در نظر گرفته می‌شود (Domon, 2011). این منظرها ظرفیت ارائه خدمات اکوسیستمی، جذب گردشگر، تولیدات محلی و ارتقاء سرمایه اجتماعی را دارند (Kizos & Iosifides, 2007). مفهوم «منبع» در این مقاله به معنای فضایی است که ارزش‌ها، منابع و هویت‌های محلی را در خود ذخیره و حفظ می‌کند و در برابر مداخلات توسعه‌ای، نقش حفاظتی و مقاومتی ایفا می‌نماید. حفاظت از این منظرها، نه تنها اقدامی زیباشناختی بلکه ضرورتی راهبردی در مسیر

اساسی برای طراحی مداخلات توسعه‌ای مؤثر، پایدار و متناسب با زمینه‌های محلی به‌شمار می‌رود. ارتباط میان «منظر» و «مکان» در ادبیات منظر رابطه‌ای بنیادین است. منظر نه تنها به عنوان یک ساختار فیزیکی یا بصری، بلکه به عنوان تجلی عینی و فضایی «مکان» درک می‌شود؛ مکانی که با تجربه انسانی، حافظه تاریخی، و معناهای فرهنگی آمیخته شده است. مالپاس (Malpas, 2011)، منظر را به عنوان «شیوه‌ای از بودن در مکان» تعریف می‌کند؛ یعنی منظر خود نوعی مکان است که از طریق آن انسان‌ها با جهان پیرامون ارتباط برقرار می‌کنند. این دیدگاه پدیدارشناختی، منظر را نه صرفاً یک تصویر یا پس‌زمینه، بلکه بستری برای تجربه زیسته، هویت‌یابی و معناپردازی می‌داند. مالپاس با الهام از هایدگر، منظر را بخشی از «توپولوژی هستی» می‌نامد؛ فضایی که در آن انسان‌ها جای می‌گیرند، معنا می‌بخشند و با جهان تعامل می‌کنند. مطالعات هانز یکر و همکارانش (Hunziker et al., 2007) نیز نشان می‌دهد که منظر از دو جنبه قابل تحلیل است: به عنوان «فضا» و به عنوان «مکان». در این چارچوب، منظر به عنوان مکان، حامل «هویت مکان» و «حس مکان» است؛ مفاهیمی که به پیوند عاطفی، فرهنگی و ادراکی انسان با محیط اشاره دارند. این منظرها در فرایندهای توسعه، نه تنها باید از نظر زیباشناختی حفظ شوند، بلکه باید معناهای درونی و اجتماعی آن‌ها نیز مورد توجه قرار گیرد. در نتیجه، منظر و مکان در ادبیات منظر به صورت مفاهیمی درهم‌تنیده مطرح می‌شوند؛ منظر به عنوان تجلی فضایی مکان، و مکان به عنوان بستر معنایی منظر. این رابطه، بنیانی نظری برای رویکردهای مکان‌محور در توسعه و حفاظت از منظرهای فرهنگی و طبیعی فراهم می‌آورد.

• توسعه و رویکرد مکان‌محور^۴ به آن

توسعه، از نظر لغوی معادل لفظ انگلیسی (Development) است که مشتق از واژه (Develope) به معنای رشد و گسترش تدریجی و نمود و تطور یافتن، آشکار شدن و از پوسته و غلاف درآمدن است. این پوسته و غلاف هم در زبان انگلیسی (Envelope) است. بنابراین، خروج تدریجی از لفاف، معنای دقیق واژه توسعه است (جهانین، ۱۳۷۷). «سازمان ملل» توسعه «Development» را (فرایندی که کوشش‌های مردم و دولت را برای بهبود اوضاع اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی هر منطقه متحد کرده و مردم این مناطق را در زندگی یک ملت ترکیب نموده و آنها را به‌طور کامل برای مشارکت در پیشرفت ملی توانا سازد) می‌داند. در نهایت، توسعه، رخدادی است که سازنده مرحله‌ای نوین در وضعیت متغیر است. در مجموع توسعه فرایندی است مشتمل بر گذر کردن، تغییر و نوشدن که به منظور شکوفایی و تحقق ظرفیت‌های نهفته در درون افراد و اجتماع و تبدیل بالقوه‌ها به بالفعل انجام می‌شود.

رویکرد مبتنی بر مکان یا رویکرد مکان‌محور، به عنوان یکی از رویکردهای زمینه‌مند، بر اهمیت ویژگی‌های منحصر به فرد هر مکان در فرایند سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی توسعه‌ای تأکید دارد. این رویکرد برخلاف مدل‌های سنتی که توسعه را به صورت یکسان



تصویر ۱. ارتباط میان منظر و توسعه. مأخذ: نگارندگان.

در نهایت می‌توان تصاویر مناسبی از جامعه ارائه کرد که قابل عرضه و سازگار با واقعیت جامعه باشند.

- دوگانه «استفاده» و «حفاظت»

یکی از چالش‌های اصلی در نگرش «منظر به مثابه منبع» تعارض میان «استفاده اقتصادی از منابع منظر» و «حفاظت از ارزش‌های غیرمادی آن» است (Domon, 2011). در بسیاری از مناطق روستایی، توسعه ناهماهنگ و تمرکز صرف بر بهره‌وری اقتصادی، موجب «مصرف» منابع منظر به جای «تداوم بخشی» به آن‌ها شده است (Kizos & Iosifides, 2007). گربر و هس (Gerber & Hess, 2017) هشدار می‌دهند که چنین نگاهی، خطر فروکاست منظر به کالایی مصرفی را در پی دارد؛ در حالی که منظر واجد ارزش‌های غیرابزاری همچون هویت، حافظه و زیبایی است که قابل اندازه‌گیری اقتصادی نیستند. از این رو، پژوهشگران پیشنهاد می‌کنند منظر نه تنها به عنوان منبعی اقتصادی، بلکه به مثابه «منبعی برای معنا، فرهنگ و تداوم اجتماعی» دیده شود (Stephenson, 2008). این نگاه با مفهوم «منظر به مثابه منبع» همپوشانی دارد؛ زیرا هر دو بر ظرفیت‌های ذخیره‌ای منظر برای بازتولید حیات فرهنگی و زیست‌محیطی تأکید دارند.

- منظر به مثابه منبع در سیاست‌گذاری و توسعه

کنوانسیون اروپایی منظر (ELC, 2000) صراحتاً بیان می‌کند که «منظر، منبعی مطلوب برای فعالیت اقتصادی است و حفاظت، مدیریت و برنامه‌ریزی آن می‌تواند به بهبود کیفیت زندگی و ایجاد اشتغال بینجامد». این سند همچنین بر لزوم «دغام حفاظت از منظر در فرایند توسعه» تأکید می‌کند؛ زیرا در صورتی که منظر به عنوان منبع شناخته شود، می‌توان توسعه‌ای متوازن و مبتنی بر مکان را تحقق بخشید (Barca et al., 2012). در مناطق روستایی، این نگرش به معنی شناخت دقیق ارزش‌های بومی هر مکان است. روستاها با دارا بودن ترکیبی از سرمایه «طبیعی» و «فرهنگی»، می‌توانند از طریق حفاظت از منظر خود، بنیانی برای توسعه پایدار فراهم کنند (Makhzoumi & Pungetti, 1999). در غیر این صورت، توسعه ناهماهنگ، این منبع را تخلیه کرده و به فرسایش زیست‌محیطی و گسست هویتی منجر می‌شود (Antrop, 2005). بر این اساس،

توسعه متوازن است. این نگرش، ریشه در تغییر پارادایم از «منظر به عنوان شیء زیباشناختی» به «منظر به عنوان سامانه‌ای پویا از روابط و ارزش‌ها» دارد (Antrop, 2005). از این دیدگاه، منظر نه فقط نمایانگر گذشته، بلکه بستری برای تولید ارزش در آینده است. منظر به مثابه منبع، به معنای درک آن به عنوان مجموعه‌ای از «سرمایه‌های طبیعی، فرهنگی و اجتماعی» است که در تعامل با یکدیگر کارکردهای اساسی زیست‌محیطی و اجتماعی را ممکن می‌سازند (Gerber & Hess, 2017). این مفهوم با رویکرد «خدمات اکوسیستمی» و «سرمایه طبیعی» هم‌راستاست، با این تفاوت که در اینجا، ابعاد فرهنگی، نمادین و هویتی نیز به رسمیت شناخته می‌شوند (Rega, 2014). به بیان دیگر، منظر منبعی است که می‌تواند همزمان «تولید مادی (مانند کشاورزی، منابع زیستی)» و «تولید معنایی (هویت، زیبایی، حافظه جمعی)» را پشتیبانی کند. مطالعات اخیر سه نوع اصلی از منبع بودن منظر را مشخص کرده‌اند (Li et al., 2022): ۱. منابع طبیعی و زیست‌محیطی: شامل زمین، آب، پوشش گیاهی، تنوع زیستی و خدمات اکوسیستمی، ۲. منابع فرهنگی و تاریخی: شامل الگوهای سکونت، معماری بومی، نظام‌های معیشتی و دانش‌های محلی و ۳. منابع اجتماعی و ادراکی: شامل ارزش‌های نمادین، زیبایی‌شناسی، حس مکان و پیوندهای هویتی. ترکیب این سه بُعد، منظر را به منبعی چندلایه تبدیل می‌کند که قابلیت پشتیبانی از توسعه‌ای پایدار را دارد. منظر، منبعی است که پایه‌ای برای توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی فراهم می‌کند؛ زیرا منظر: ۱. مانند یک مخزن از زندگی فرهنگی و اجتماعی عمل می‌کند که برای سبک زندگی معین لازم است و می‌تواند تصویری انعکاسی از خود برای داخلی‌ها و تصویری قابل عرضه به خارجی‌ها ارائه دهد، ۲. منظر می‌تواند منابع کشف‌نشده پیشین که به سود جامعه هستند را کشف و شناسایی کند و در برنامه‌ریزی خود از آنها بهره‌برداری کند، ۳. می‌تواند از منابع منظر به صورتی که مزایایش برای کسانی که بیشترین نیاز را بدان دارند، بیشینه شود؛ استفاده کرد. یعنی ایجاد و تقویت «عدالت زیست‌محیطی» توسط منظر، ۴. هماهنگ‌سازی در استفاده از منابع منظر برای پایدارسازی بهره‌مندها، استفاده از مخزن زندگی فرهنگی گذشته و کنونی برای الهام در آینده به منظور حفظ جامعه اجتماعی، ۵. کمینه‌سازی آسیب ناشی از تغییرات و کاهش هزینه‌های بهبود سرمایه، ۶. استفاده از منظر برای توسعه تصویر قابل عرضه که با حقیقت داخلی سازگار است و تصویر بازتابی را ارتقاء می‌دهد (Hester, 1987). بنابراین روندی که در منظر به کار گرفته می‌شود، در توسعه تأثیرگذار است (تصویر ۱). می‌توان منابع منظر بکر را مورد استفاده قرار داد، می‌توان نشان داد که این منابع چگونه مورد استفاده قرار گیرند تا به سود اعضای نیازمند جامعه باشد، می‌توان تعادلی بین مصرف و پایداری منبع ایجاد کرد به گونه‌ای که منابع به مدت طولانی در اختیار جامعه باشند، می‌توان مخزن منظر برای زندگی جامعه را به گونه‌ای طراحی کرد که آسیب حاصل از تغییرات کمینه شود و در عین حال مزایای تغییر نیز ایجاد شوند، و

مخزنی از منابع طبیعی اند که خدمات حیاتی همچون تنظیم اقلیم، حفظ تنوع زیستی، کنترل فرسایش و تولید زیست توده را فراهم می کنند (Termorshuizen & Opdam, 2009). از بین رفتن این منابع نه تنها تعادل اکولوژیک منطقه را برهم می زند، بلکه بنیان معیشت و پایداری جوامع محلی را نیز تضعیف می کند. دوم، از دیدگاه «فرهنگی و هویتی»، منظر روستایی بستر شکل گیری هویت مکان است؛ جایی که ساختارهای کالبدی، آیین ها، دانش بومی و الگوهای زیستی در تعامل با طبیعت به گونه ای منحصر به فرد تکوین یافته اند (Stephenson, 2008). این ارزش های فرهنگی بخشی از سرمایه نمادین مکان هستند که در فرایند توسعه ناهماهنگ به سرعت در معرض فرسایش قرار می گیرند. به تعبیر رگا (Rega, 2014)، منظر روستایی را باید به مثابه منبعی چندلایه دید که ظرفیت تولید ارزش های مادی و غیرمادی را در خود دارد. این منبع شامل سه دسته اصلی از «منابع منظر» است:

۱. منابع طبیعی: شامل زمین های کشاورزی، جنگل ها، مراتع، منابع آب و تنوع زیستی که زیربنای معیشت و پایداری اکولوژیک اند.
۲. منابع فرهنگی-تاریخی: همچون معماری بومی، بافت سنتی، دانش های محلی و نظام های معیشتی که معرف تاریخ تعامل انسان و محیط اند.
۳. منابع اجتماعی-ادراکی: شامل حس مکان، خاطره جمعی و شبکه های اجتماعی که تداوم زندگی اجتماعی را در مکان ممکن می سازند (Gerber & Hess, 2017).

در چارچوب توسعه مکان محور، این منابع نه تنها باید شناسایی شوند، بلکه باید در فرایند تصمیم گیری به عنوان «سرمایه های اصلی توسعه» در نظر گرفته شوند (Barca et al., 2012). توسعه ای که بدون توجه به این منابع صورت گیرد، در واقع «منظر» را به مثابه منبع مصرف می کند، نه آنکه آن را باز تولید کند. مطالعات آنتروپ (Antrop, 2005) نشان می دهد که توسعه ناهماهنگ در نواحی روستایی اروپا منجر به تخلیه تدریجی منابع منظر شده است؛ وضعیتی که در بسیاری از روستاهای ایران نیز قابل مشاهده است. در نتیجه، حفاظت از منظر روستایی تنها یک اقدام زیباشناختی یا محیط زیستی نیست، بلکه راهبردی برای «حفاظت از بنیان های توسعه» است. در واقع، همان گونه که هانزیکر و همکارانش (Hunziker et al., 2007) اشاره می کنند، وقتی منظر از «فضا» به «مکان» تبدیل می شود، ارزش های هویتی و ادراکی آن اهمیت می یابد و توسعه ای که این ارزش ها را نادیده بگیرد، منجر به از دست رفتن حس مکان و فروپاشی پیوند انسان و محیط می شود. بر این اساس، برنامه ریزی توسعه در نواحی روستایی باید به گونه ای باشد که منابع منظر به عنوان زیرساخت هویتی و زیست محیطی مکان حفظ و باز تولید شوند؛ چرا که تنها در این صورت، توسعه می تواند با ویژگی های درونی مکان هم افزا گردد و به پایداری فضایی، فرهنگی و اجتماعی بینجامد.

«منظر به مثابه منبع» چارچوبی نظری است که امکان درک چندبعدی از محیط های انسانی را فراهم می کند. این مفهوم پیوندی میان «حفاظت، استفاده و معنا» برقرار می کند و بر این اصل استوار است که توسعه پایدار تنها زمانی تحقق می یابد که از ظرفیت های منظر به عنوان منبعی تجدیدپذیر، فرهنگی و اجتماعی بهره گرفته شود. در واقع، هر مداخله توسعه ای باید به جای مصرف این منبع، به تغذیه و بازآفرینی آن منجر شود. چنین رویکردی زمینه را برای «توسعه مکان محور» فراهم می کند؛ توسعه ای که از دل مکان و با احترام به ارزش های آن برمی خیزد.

• منظر روستایی^۵

منظر پدیده ای است که توسط مردم محلی درک می شود و ویژگی های آن نتیجه عملکرد عوامل طبیعی و/یا فرهنگی (یعنی انسانی) است. منظرها در طول زمان، در نتیجه عمل توسط نیروهای طبیعی و انسان، تکامل می یابند. منظر یک کل را تشکیل می دهد که اجزای «طبیعی و فرهنگی» (انسانی) آن در کنار هم قرار می گیرند نه جدا از هم. منظر روستا نیز، ادراک ساکنان از ارتباط میان اجزای آن است. روستا یک سیستم است و درک ارتباط میان اجزای این سیستم منظر آن را شکل می دهد. منظر روستایی به عنوان ساختاری فضایی و اجتماعی تعریف می شود که حاصل تعامل میان انسان، طبیعت و فعالیت های تولیدی در مناطق غیر شهری است. این منظرها شامل عناصر طبیعی (توپوگرافی، پوشش گیاهی)، انسانی (سکونتگاه ها، مسیرها) و فرهنگی (میراث تاریخی، نمادها) هستند و بازتابی از فرایندهای تاریخی، اقتصادی و فرهنگی اند (Antrop, 2005). منظر روستایی نه تنها بستر زیستی، بلکه حامل معنا، هویت و حافظه جمعی جوامع محلی است (Rega, 2014). «روستایی» یک مفهوم و یک موجودیت فضایی/مکانی است که به راحتی قابل تعریف نیست، اما مناظر روستایی تعاملات پیچیده بین انسان و طبیعت در مناطق روستایی را توصیف می کنند. شاید دقیقاً همین ابهام روستایی است که باعث می شود مفهوم منظر روستایی مجموعه ای از موضوعات مختلف را در بر گیرد.

• اهمیت منظر روستایی و ضرورت حفاظت از منابع آن در فرایند توسعه

منظر روستایی، یکی از بنیادی ترین نمادهای پیوند انسان و طبیعت است و بازتابی از تاریخ تعاملات تولیدی، فرهنگی و اجتماعی در بستر مکان به شمار می رود (Antrop, 2005). این منظر نه تنها حاصل سازمان فضایی فعالیت های انسانی است، بلکه تجلی نوعی رابطه زیسته میان مردم و محیط پیرامونشان است؛ رابطه ای که در طول زمان، هویت و معنا را در فضا تثبیت کرده است (Hunziker et al., 2007). از این منظر، حفاظت از منظر روستایی به معنای حفاظت از حافظه جمعی و ظرفیت های زیستی مکان است؛ چرا که هر تغییر در ساختار کالبدی یا کارکردی آن، در واقع تغییری در نظام فرهنگی و اجتماعی ساکنان نیز محسوب می شود. اهمیت منظر روستایی در چارچوب توسعه مکان محور از چند جنبه قابل تحلیل است. نخست، از دیدگاه «اکولوژیکی»، این منظرها

مورد مطالعه: شهرستان کوهدشت

شهرستان کوهدشت یکی از مناطق تاریخی و فرهنگی استان لرستان در غرب ایران است که با طبیعتی چشم‌نواز، پیشینه‌ای کهن و مردمانی با فرهنگ غنی شناخته می‌شود. این شهرستان چهارمین شهرستان بزرگ استان لرستان محسوب می‌شود. این منطقه از نظر تاریخی اهمیت فراوانی دارد؛ آثار باستانی مانند غار میرملاس و معبد سرخ دم لکی نشان‌دهنده سکونت انسان‌ها در این ناحیه از حدود دوازده هزار سال پیش است. شهرستان کوهدشت از چند بخش و دهستان تشکیل شده که هر یک دارای روستاهایی با ویژگی‌های خاص فرهنگی و طبیعی هستند. بخش‌های مرکزی، درب گنبد، طرهان و کوهنانی از مهم‌ترین تقسیمات این شهرستان‌اند. در این میان، دهستان‌هایی مانند کوهدشت جنوبی، گل‌گل، بلوران، طرهان شرقی و غربی، و درب گنبد، میزبان روستاهایی هستند که با معماری سنتی، آداب و رسوم بومی و مناظر طبیعی بکر، جلوه‌ای خاص به منطقه بخشیده‌اند. کوهدشت با وجود چالش‌های توسعه‌ای، همچنان یکی از قطب‌های فرهنگی و طبیعی لرستان به شمار می‌رود و مطالعه آن می‌تواند شناختی عمیق‌تر از ساختار اجتماعی، تاریخی و جغرافیایی غرب ایران ارائه دهد. در بررسی منظر روستاهای شهرستان کوهدشت، دو ویژگی مهم شناخته می‌شود که نیازمند توجه و بررسی است: منظر طبیعی و منظر فرهنگی روستاها.

یافته‌ها و تحلیل

• اقدامات توسعه‌ای و تأثیر آن‌ها بر منظر روستایی: تغییرات در ساختار فرهنگی منظر روستاها

فرهنگ، حاصل ثانویه‌سازی انسان در جهان زیست خود است و منظر فرهنگی بنابر نظر ساور (Sauer, 1929) حاصل تعامل فرهنگ و طبیعت به‌عنوان عامل و زمینه است. مناظر فرهنگی گویای هویت سرزمین هستند (Mansouri, 2020). این قسم از منظر، به‌عنوان شاخص منحصربه‌فرد هر سرزمین، مستلزم حفاظت است. در ادامه تلاش می‌شود با تکیه بر واکاوی منظر فرهنگی هر روستا و تفهیم اهمیت آن به‌عنوان مخزن زندگی هویتی و اجتماعی روستا، رویکرد طرح‌های توسعه در مواجهه با این مؤلفه‌های مکان نقد شود.

- روستای پای آستان

روستای پای آستان (پای آسین)، از روستاهای دهستان زیرتنگ سیاب و از توابع بخش کونانی شهرستان کوهدشت است که حاصل اسکان عشایر منطقه در دهه ۴۰ است. روستا، در بافت خطی در کناره جاده شکل گرفته است و چشم‌اندازی به باغات پایین‌دست دارد. از جمله ویژگی‌های منحصربه‌فرد این روستا همجواری و وجود چشم‌انداز به اولین قلعه قاجاری یکی از بزرگان لرستان، نظر علی خان امرایی (غضنفری) که هنوز بقایایی از آن در دشت پایین‌دست روستا دیده می‌شود، است. بنابر مشاهدات، در بخش شمالی بافت، سنگی کنده‌کاری شده در میان حفاظ‌ها دیده می‌شود که طبق گفته دهبدر روستا و مطالعات ثانویه، از جمله اسناد و تاریخ شفاهی مردم، دارای ارزش ویژه برای روستاییان است. بنابر تاریخ

شفاهی و روایات مردمی، این سنگ منتسب به حضرت علی (ع) است (ساک، ۱۳۴۳ به نقل از Adinehvand et al., 2016, 146) و از طرفی یادگاری از خان معروف منطقه، نظرعلی خان غضنفری^۱ است. ارتباط معنایی این سنگ با قلعه در کنار ارتباط بصری آن، یکی از استعدادهای این روستا است که به نظر می‌رسد در طرح‌های توسعه مهجور مانده است. حفاظت صرفاً کالبدی از این عنصر آن‌هم به نامطلوب‌ترین شکل و عدم توجه به نسبت این عنصر با روستا، آن را مبدل به عنصری الحاقی در روستا کرده است. در طرح هادی روستا (پروری، ۱۳۸۹)، اصلاً عنصری میراثی و تاریخی برای روستا دیده نشده است و حتی در جوار محدوده سنگ کاربری‌هایی چون تأسیسات و تجهیزات روستایی (منبع آب، غسالخانه و ...)، یعنی تأسیسات نامرتب با هویت میراثی و تقویت منظر آن، دیده شده است که گواه بر عدم شناخت عناصر میراثی‌اند و چیزی که امروز حضور سنگ و قلعه را حفظ کرده است تلاش متولیان محلی و مردم است نه طرح توسعه، که آن‌هم در معرض تعدی کشاورزانی است که دیگر این کالبد را عنصری هویتی نمی‌دانند و منظر در آستانه تخریب است. طرح‌های توسعه روستا و طرح هادی بی‌توجه به ارزش میراثی سنگ و ارتباط آن با قلعه و به‌کارگیری این ظرفیت برای منافع روستا، اتخاذ شده‌اند، با وجود اینکه می‌توانست استفاده از این خاصیت نظرگاهی و ارتباط سنگ و قلعه، به‌عنوان یادگاری از بخشی از تاریخ تأثیرگذار لرستان و زندگی ایلاتی ایران و سرزمین اصلی، ابزاری در جهت ارتقای روستا باشد (تصاویر ۲ و ۳). «وجود آثار میراثی و ارتباط نظام‌مند آثار تاریخی باهم، شاخص مکان‌ساز است» (Rajab Bojani, 2024). طرح‌های توسعه این روستا، با نگاهی بخشی، بدون توجه به ارزش میراث، ارتباط این عناصر باهم به‌عنوان مخزن زندگی مردم و نقش آنان در ارتقای کیفیت زیست روستا اتخاذ شده و طرح‌هایی بی‌توجه به شأن و ارزش فضا، یعنی استعدادهای مکان‌بودگی، هستند.

- روستای خسروآباد

روستای خسروآباد (خسراوا)، روستایی در تنگه شاهامه و از توابع کوهنانی لرستان است که به‌سبب همجواری با راه باستانی منطقه (راه شاهی) و اهمیت منطقه، آثار باستانی متعددی در منطقه دیده می‌شود. وجود این آثار ملموس در کنار آثار ناملموس، جلوه‌هایی از فرهنگ این روستاست که گویای منظر میراثی ارزشمند خسروآباد است. واکاوی این عناصر باستانی از جمله گورستان‌های ماقبل تاریخ و باستانی، غارهای طبیعی و مصنوعی (نیایشگاه‌های میترایبی)، آتشگاه ساسانی باباسلام (مهرابه میترایبی مشابه فضاهای مقدس میترائی منطقه چون مهرابه باباعباس در جنوب‌غربی خرم‌آباد، قلعه کوهزاد کوهدشت و ...) گویای وجود نظامی معنایی در منطقه است که حاصل زیست انسان در تعامل با طبیعت در گستره تاریخ است. با توجه به آثار کشف‌شده سابقه سکونت در منطقه، معطوف به یک محدوده نبوده است، اما چیزی که از روستای امروزین برداشت می‌شود، میدان میل هسته اولیه روستای است. این میدان، که در گذشته گورستان بوده، دارای میلی تاریخی با عنوان گور صفر

از طرفی مظهر چشمه روستا در این حدود است. هم‌نشینی این فضای مقدس که در طول زمان قداست خود را با انتساب به مظاهر قداست حفظ کرده، مظهر چشمه و درخت که امروز غایب است، گواهی بر وجود سه‌گانه منظر ایرانی و ارزش این فضا در ذهنیت مردم است. از طرفی واکاوای فرهنگ ناملوموس روستاییان نیز گواهی بر مرکز بودن امامزاده است (تصویر ۶). پس در چنین فضایی که دارای شأن منحصر به فرد در منطقه است توقع می‌رود طرح توسعه متناسب با ویژگی‌های سرزمین اتخاذ شود. اما بنا بر مشاهدات، در وهله اول امامزاده صرفاً یک بنای مقدس دیده شده، نه یک فضای مقدس و ارتباط آن با قبرستان که هر قبر دارای شخصیت است، نادیده گرفته شده و صرفاً به اختصاص مصالح با کیفیت اکتفا شده و قبرستان روز به روز در حال تخریب و مبدل شدن به جایی شبیه همه‌جاست.

صرف بر ارزش‌های منظرین میدان، یعنی میدان به‌عنوان یک فضای رویدادپذیر و عدم به‌کارگیری کل‌نگرانه آن تخریب منظر را در پی خواهد داشت.

روستای ابوالوفا

روستای ابوالوفا، روستایی در بخش مرکزی شهرستان کوه‌دشت، دهستان گل‌گل و در دامنه کوه «بره کاظم» است. وجود امامزاده ابوالوفا و قبرهایی با اسکال پلکانی و میل مانند گواهی بر ارزش میراثی و منظر میراثی مهجور در روستا هستند. امامزاده ابوالوفا، در برخی روایات‌ها از نواده امام سجاد (ع)، در برخی روایات یکی از بزرگان اهل حق و با اتکا بر نامش ابوالوفا و همجواری با گورستان دارای جلوه‌هایی از میترا، دارای منظر قدسی در سطح منطقه و حتی سرزمین اصلی است که هسته اولیه شکل‌گیری و مرکز روستا نیز تلقی می‌شود.



آشکده بااسلام (مهرابه)
عکس: پدرام حدادی، ۱۴۰۲

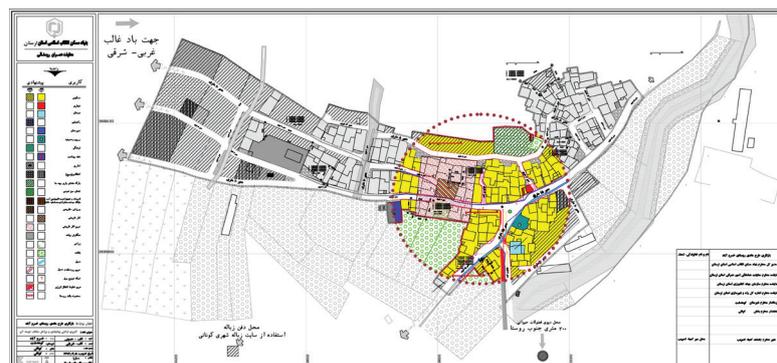


میدان میل باستانی
عکس: نگین رحیمیچوچانی، ۱۴۰۲

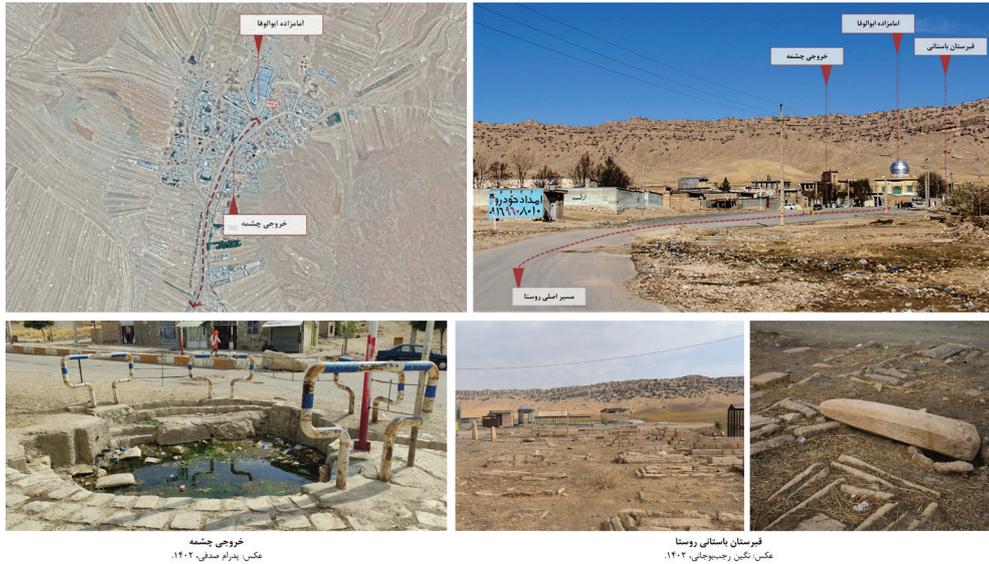


میدان متأخر روستا
عکس: نگین رحیمیچوچانی، ۱۴۰۲

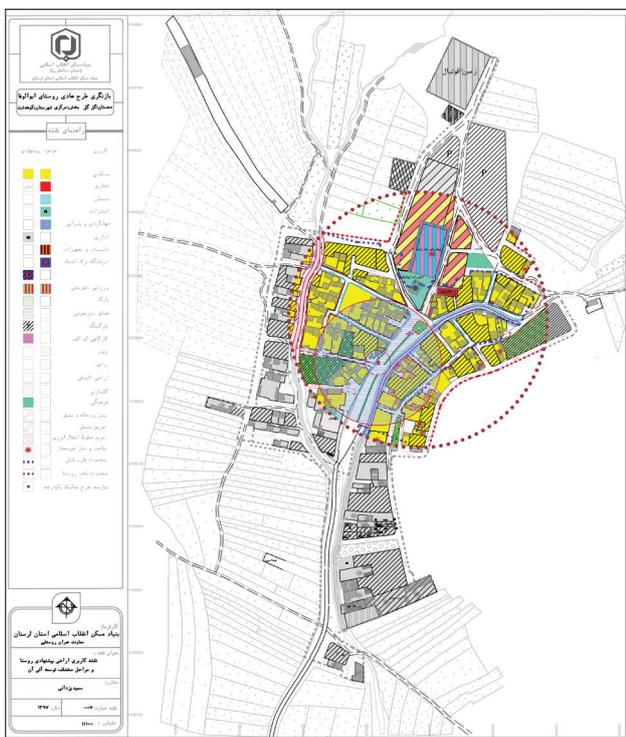
تصویر ۴. عناصر میراثی محدوده روستای خسروآباد و میدان متأخر جایگزین دستوری میدان میل و تصاحب رویدادپذیری میدان قدیمی و تضعیف منظر روستا و کیفیت زیست. مأخذ: نگارندگان.



تصویر ۵. میدان میل و میدان جدید در طرح توسعه. مأخذ: بنیاد مسکن انقلاب اسلامی.



تصویر ۶. عناصر منظرین روستای ابوالوفا و نقش مرکزبودگی آن در روستا. مأخذ: نگارندگان.



تصویر ۷. عدم توجه هستی‌شناسانه به مرکز و عناصر وابسته به آن به‌عنوان امکانی برای ارتقای کیفیت روستا. مأخذ: بنیاد مسکن انقلاب اسلامی.

آگاهی روستایی‌ها از این میراث ارزشمند، روز‌به‌روز آنان را مشتاق شهری‌شدن میکند و مهاجورشدن میراث روستایی و عشایری و عدم مطالبه آنان برای تقویت این ارزش‌ها را در پی خواهد داشت که حل آن در وهله اول نیازمند ارتقای هستی‌شناسی نه موزه‌وار آگاهی مردم نسبت به میراث خود است. مطالبه روستاییان برای حفاظت از منظر فرهنگی و از طرحی اتخاذ رویکرد کل‌نگر در ابعاد مختلف طرح‌های توسعه در مواجهه با منظر فرهنگی، لازمه موفق‌بودن طرح‌های توسعه است. طرح توسعه موفق ملزم به توجه به مکان و شاخص‌های مکان‌ساز از جمله وجود عناصر تاریخی و روابط نظام‌مند این عناصر

این امر تا حدی است که در طرح‌های پهنه‌ای تاریخی برای روستا تعریف نشده و به تعریف پهنه فرهنگی اکتفا شده است. در وهله بعدی، در جهت تسهیل دسترسی به امامزاده، خیابانی دستوری و بی‌ربط به منظر روستا طراحی شده و گسست منظر روستا را در پی داشته و از همه مهم‌تر هسته روستا، سه‌گانه منظرین روستا، یعنی هم‌نشینی آب، درخت و مکان مقدس، تخریب و خروجی چشمه به پایین دست‌تر منتقل شده است و ارزش معنایی خود را از دست داده است، یعنی در پی اقدامی با آرمان آبادی، بدون توجه کل‌نگرانه به مرکزبودگی امامزاده و اهمیت هم‌نشینی عناصر سه‌گانه در کنار هم، ارزش قدسی آب تخریب و خروجی چشمه مبدل به زباله‌دانی شده است (تصویر ۷). «مرکزبودن، یک شاخص مکان است» (ibid). عدم خوانش هستی‌شناسانه مرکزبودگی امامزاده و عناصر هم‌پیوند با آن و صرفاً نگاهی ایزه‌وار به امامزاده و عدم توجه سیستماتیک به نقش آن در ارتقای زیست و کیفیت روستا، تخریب منظر روستا را در پی داشته و منظر فرهنگی این روستا را به‌عنوان یک مخزن برای مردم نادیده گرفته و غیرمکان‌مند است.

تحلیل نمونه‌ها گویای این امر است که طرح‌های توسعه در ارتباطی دیالتیک با منظر فرهنگی قرار دارند. طرح‌های توسعه در جهت آبادی روستا تغییراتی کالبدی در روستا ایجاد می‌کنند که مداخله‌های غیرمستقیم در منظر فرهنگی دارند و آن را به سبب اینکه امری پویاست تغییر می‌دهند. این امر زمانی تخریب منظر فرهنگی را در پی خواهد داشت که برآمده از منظر فرهنگی نباشد؛ یعنی طرح‌ها بدون توجه به منظر فرهنگی، به‌عنوان مشخصه منحصربه‌فرد هر سرزمین و بی‌توجه به اهمیت خوانش هستی‌شناسانه میراث فراتر از اکتفای صرف به شناخت کالبدی و عملکردی در سطوح مختلف طرح، از برنامه‌ریزی تا اجرا، بسنده کنند یا به دنبال همه‌جایی شدن روستاها یا شهری‌شدن فضا باشند. از طرفی، مداخله طرح‌ها در ذهنیت مخاطب و تخریب منظر فرهنگی روستاها و به دنبال آن عدم

جدول ۱. مؤلفه‌های مکان‌ساز برآمده از تحلیل نسبت توسعه و منظر فرهنگی روستاهای پای آسین، خسروآباد و ابوالوفا. مأخذ: نگارندگان.

نمونه روستا	عناصر موردبررسی روستا	موارد مهجور در طرح‌های توسعه غیرمکان‌مند	مؤلفه مکان‌ساز
روستای پای آستان	سنگ تاریخی و قلعه نظرعلی خان غضنفری	- عدم توجه به سنگ و قلعه به‌عنوان میراث روستا - عدم شناخت هستی‌شناسانه عناصر - حفاظت موزه‌وار از سنگ - عدم توجه به ارتباط سنگ و قلعه - عدم توجه به نقش نظرگاهی فضای سنگ - عدم توجه به نسبت سنگ و روستا	وجود عناصر تاریخی و وجود روابط نظام‌مند میان آن‌ها
روستای خسروآباد	میدان میل و میدان متأخر	- عدم خوانش هستی‌شناسانه منظر تاریخی منطقه - توجه صرف به کالبد میل - عدم توجه به میدان میل به‌عنوان یک فضای جمعی - عدم اتخاذ کاربری محرک حضور در اطراف میل - اتخاذ نگاه ابژکتیو و صرفاً مرمتی به میل - اتخاذ میدان دستوری به روستا - تزریق کاربری محرک رویداد در اطراف میدان جدید	رویدادپذیری
روستای ابوالوفا	امامزاده ابوالوفا، چشمه و قبرستان باستانی	- توجه صرفاً کالبدی به امامزاده - عدم توجه به ارزش باستانی و تاریخی قبرستان - عدم توجه به سه‌گانه منظر ایرانی - گسست منظر روستا با اتخاذ راه مامت‌نایب با روستا	مرکزبودن

باهم، رویدادپذیری، مرکزبودن (با تحلیل نمونه‌موردی‌های مذکور (جدول ۱)) و هزاران مؤلفه دیگر برای ارتقای زمین به مفهوم سرزمین و ارتقای کیفیت زیست مردم است.

• اقدامات توسعه‌ای و تأثیر آن‌ها بر منظر روستایی: تغییرات در ساختار منظر طبیعی روستاها

منظر طبیعی ادراک انسان از طبیعت است و منظر روستایی به‌عنوان یکی از اقسام منظر، طبیعی‌ترین و پرمعناترین شیوه سکونت انسان در طول تاریخ و نمونه کامل ارزش‌گذاری انسان بر منظر طبیعی است (Rezaei, 2024). در تحلیل منظر روستایی، منظر طبیعی جایگاه ویژه‌ای دارد، زیرا این منظرها نه تنها جلوه‌ای از طبیعت هستند، بلکه در تعامل با فرهنگ و اجتماع شکل گرفته‌اند. در واقع، منظر روستایی ترکیبی از عناصر طبیعی و فرهنگی است که فرایند اجتماعی‌شدن طبیعت را از طریق تصرف و بهره‌برداری گروه‌های قومی و فرهنگی به نمایش می‌گذارد و به آن هویتی مستقل می‌بخشد (Abarghouei Fard & Saboonchi, 2020). منظر روستا را می‌توان بازتابی از ادراک، برداشت و خوانش مردم نسبت به طبیعت پیرامون خود در گذر زمان دانست. نادیده گرفتن نقش و جایگاه «مکان» در روند توسعه، در واقع چشم‌پوشی از درک و تجربه انسانی نسبت به آن است؛ درکی که نه تنها به ویژگی‌های جغرافیایی محدود نمی‌شود، بلکه ابعاد معناشناختی، نشانه‌شناختی و پدیدارشناختی را نیز در بر می‌گیرد. از آنجا که انسان خود مهم‌ترین عامل و هدف توسعه است، بی‌توجهی به شیوه خوانش و تفسیر مردم از محیط زیست‌شان به‌ویژه در جوامع روستایی می‌تواند پیامدهای عمیقی بر احساس تعلق و فهم آنان از مکان داشته باشد. این غفلت، در کنار نادیده گرفتن تغییرات تدریجی منظر طبیعی بر اثر مداخلات انسانی در گذر زمان، به تدریج موجب تخریب هویت فضایی و فرهنگی روستا می‌شود.

- روستای سرخ‌دم لکی

روستای سرخ‌دم لکی در مجاورت کوه سرخ‌دم و در ناحیه‌ای با خاک سرخ‌رنگ و غنی از اکسید آهن واقع شده است. این ویژگی زمین‌شناختی، سیمایی منحصر به فرد و متمایز به بافت طبیعی و مصنوع روستا بخشیده است. آثار باقیمانده از بافت قدیمی روستا نشان می‌دهد که ساکنان گذشته از همین خاک سرخ به‌عنوان مصالح اصلی در ساخت‌وساز بهره گرفته‌اند؛ امری که موجب پیوند میان بستر طبیعی و کالبد معماری شده و از منظر معناشناختی نیز بر «هویت مکانی» روستا افزوده است. از دیگر ویژگی‌های برجسته این روستا، خاصیت نظرگاهی آن است؛ به گونه‌ای که

به زمینه طبیعی و فرهنگی در تدوین و اجرای طرح‌های توسعه، موجب برهم‌خوردن ساختار ارگانیک بافت روستا، تغییر در الگوی مسکن و شکل معابر و اولویت یافتن حرکت سواره بر حرکت پیاده شده است. این امر، ضمن ایجاد آسیب‌های عملکردی و فضایی، موجب از بین رفتن تأثیر پذیری بافت از فرم کوهپایه‌ای، به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های اصلی منظر طبیعی روستا شده است. از دیگر عناصر مهم منظر طبیعی روستا، چشمه‌ای است که در گذشته نقشی محوری در ساختار فضایی و هویتی آن داشته است. در فرهنگ سکونتگاه‌های ایرانی، عنصر آب نه تنها منبع حیات فیزیکی، بلکه کانون شکل‌گیری فضاهای اجتماعی و معنوی به‌شمار می‌رفته است. باین حال، در روند توسعه اخیر، چشمه روستا ارزش پیشین خود را از دست داده و کارکرد آن صرفاً به تأمین آب دام‌ها محدود شده است. فقدان برنامه‌ریزی برای حفاظت و سامان‌دهی این عنصر طبیعی سبب شده مظهر چشمه از روستا فاصله بگیرد و حضور آن در ادراک ساکنان کم‌رنگ شود (تصویر ۹).

- روستای ابوالوفا

در منظر ایرانی، ترکیب سه‌گانه «آب، درخت و کوه» (و گاه «چهارطاقی») به‌عنوان عناصر طبیعی-فرهنگی مکان‌ساز همواره نقش بنیادینی در شکل‌گیری سکونتگاه‌ها داشته است (Abarghoei Fard, 2019). شواهد میدانی در روستای پای‌آستان نشان می‌دهد که این سه‌گانه در گذشته در ساختار فضایی روستا حضور داشته است. وجود امامزاده در مجاورت چشمه نیز مؤید این ارتباط است، چرا که در سنت معماری و منظر ایرانی، اماکن مذهبی معمولاً در پیوند با این عناصر طبیعی بنا می‌شده‌اند. باین حال، مداخلات توسعه‌ای اخیر موجب گسست میان اجزای این سه‌گانه و از بین رفتن پیوستگی تاریخی و معنایی آن شده است. به‌عنوان نمونه، درختان که در گذشته بر فراز کوه قرار داشته‌اند، قطع شده و چشمه نیز به دلیل کم‌توجهی تخریب گردیده و به محلی برای انباشت زباله تبدیل شده است. در نتیجه، جایگاه قدسی و معنایی این عنصر در ذهنیت ساکنان دچار دگرگونی شده است. همچنین، احداث خیابان جدید بدون در نظر گرفتن بستر طبیعی و استقرار امامزاده، موجب بی‌نظمی فضایی و ناهماهنگی کالبدی در مرکز روستا شده است. طرح هادی اخیر نیز محور اصلی روستا را بدون توجه به جهت‌گیری چشمه و امامزاده، به‌صورت خیابانی عریض با عرض چهار متر طراحی کرده است تا پاسخگوی حضور جمعیت در مراسم آیینی همچون اربعین حسینی باشد. با این حال، این مداخله کالبدی به دلیل ابعاد نامتناسب و فقدان پیوند با ساختار تاریخی و طبیعی روستا، سبب کاهش حس تعلق، افزایش احساس بی‌مکانی و شکل‌گیری نوعی فضای ناآشنا در مرکز روستا شده است. در مجموع، یافته‌های میدانی نشان می‌دهد توسعه کالبدی روستای پای‌آستان بدون توجه به زمینه طبیعی-فرهنگی آن، منجر به تخریب تدریجی منظر اصیل روستایی، از بین رفتن عناصر مکان‌ساز سنتی و تضعیف هویت فضایی ساکنان شده است (تصویر ۱۰).



تصویر ۸. نظرگاه طبیعی سرخ‌دم در کنار لوله‌های گاز. عکس: زینب رضایی، ۱۴۰۲.

استقرار روستا بر روی ارتفاعات، دید و منظر گسترده‌ای به اطراف فراهم آورده و به ایجاد رابطه‌ای بصری و ادراکی میان ساکنان و طبیعت پیرامون انجامیده است (تصویر ۸). با این حال، بررسی‌های میدانی نشان می‌دهد که این پتانسیل‌های طبیعی در جریان طرح‌های توسعه اخیر، به‌ویژه در روند اجرای طرح ملی گازرسانی، نادیده گرفته شده‌اند. نصب خطوط گاز بدون توجه به زمینه بصری و کالبدی، سبب آشفتگی در منظر طبیعی و گسست در پیوستگی دیداری روستا شده است. این تغییرات، درک پیشین ساکنان از منظر و «نظرگاه روستا» را که بخشی از حافظه جمعی آنان محسوب می‌شد، دگرگون کرده است. نتایج مشاهدات نشان می‌دهد که تاکنون طرح توسعه مشخص و متناسبی برای این روستا تدوین نشده است؛ طرحی که بتواند بر ظرفیت‌های بومی و مؤلفه‌های مکان‌ساز چون خاک ویژه منطقه یا ویژگی نظرگاهی آن تأکید ورزد. این در حالی است که در بسیاری از روستاهای شاخص کشور، چنین ویژگی‌های طبیعی به‌منزله عناصر کلیدی در شکل‌گیری هویت مکانی و سازمان فضایی روستا عمل کرده‌اند. ساکنان روستای سرخ‌دم لکی تمایل بالایی به اجرای طرح‌های توسعه‌ای همچون طرح هادی و حرکت به سمت شهری شدن دارند. از دیدگاه اهالی، این طرح‌ها راهی برای بهبود وضعیت اقتصادی و ارتقای کیفیت زندگی آنها محسوب می‌شوند. هرچند این نگرش نشان‌دهنده پذیرش اجتماعی مفهوم توسعه است، اما در صورت فقدان توجه به ویژگی‌های بومی و زمینه‌ای، می‌تواند به نتایجی معکوس منجر شود. از این‌رو، بازنگری در فرایند تهیه و اجرای طرح‌های توسعه روستایی در چنین مناطقی باارزشی، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است تا از تکرار تجربه‌های ناموفق و تضعیف هویت مکانی جلوگیری شود.

- روستای پای‌آستان (پای‌آسین)

روستای پای‌آستان گذشته واجد ویژگی‌های بارز یک سکونتگاه کوهپایه‌ای بوده و پیوندی عمیق میان بافت کالبدی و بستر طبیعی خود برقرار داشته است. با این حال، مشاهدات میدانی نشان می‌دهد که پس از اجرای طرح هادی و توسعه کالبدی روستا، این پیوند به میزان قابل توجهی تضعیف شده و سیمای طبیعی و کوهپایه‌ای آن دچار دگرگونی اساسی گردیده است. بی‌توجهی



تصویر ۹. راست: جایگاه مظهر قبل و بعد توسعه قنات و چشمه در روستا پای آستان. عکس: زینب رضایی، ۱۴۰۲. چپ: شکل گیری روستا حول خیابان جدید بدون در نظر گرفتن سیمای کوهپایه‌ایی روستا. مأخذ: نگارندگان.



تصویر ۱۰. راست: عدم تطابق قنات و امامزاده ابوالوفا بر یک محور. عکس: زینب رضایی، ۱۴۰۲. چپ: عدم انطباق محور با امامزاده و چشمه. مأخذ: نگارندگان با استفاده از GOOGLE EARTH.

بحث

تجلی ادراک انسان از مکان است؛ از این‌رو، توجه به درک مخاطب از مکان، یکی از اصول بنیادین در رویکرد منظرین به توسعه محسوب می‌شود. حفظ منظر طبیعی، به معنای پاسداشت رابطه ادراکی انسان با عناصر طبیعی و به تبع آن، تداوم حس مکان است. یافته‌های میدانی نشان داد در بسیاری از موارد، توسعه‌های روستایی موجود مبتنی بر درک مکان و ظرفیت‌های بومی نبوده و صرفاً بر اساس الگوهای کلی و یکسان طرح‌های بالادستی اجرا شده‌اند. این امر، به سبب نادیده گرفتن زمینه فرهنگی و طبیعی، موجب مخدوش شدن ادراک ساکنان از فضا و در نتیجه تضعیف هویت مکانی شده است. علاوه بر این، فقدان آگاهی و مشارکت ساکنان در حفاظت از منظر روستا و بی‌تفاوتی نسبت به ارزش‌های محیطی، آسیب‌های این فرایند را تشدید کرده است. از دیگر آسیب‌های شناسایی شده، می‌توان به نادیده گرفتن دوگانه «شهر و روستا» و تلاش برای یکسان‌سازی الگوی توسعه اشاره کرد؛ مسئله‌ای که ناشی از غفلت نسبت به مفهوم «مکان‌مندی» در طرح‌های توسعه روستایی است. این طرح‌ها باید متناسب با ظرفیت‌های طبیعی و فرهنگی هر مکان و بر اساس رویکردی کل‌نگرانه و ادراکی تدوین شوند. عدم توجه به اهمیت حفاظت از منظر، سبب شده اقدامات توسعه‌ای صرفاً در سطح رعایت استانداردهای فیزیکی باقی بمانند و در نتیجه آسیب‌هایی نظیر متروکه شدن روستا، فروپاشی ساختار فضایی، از بین رفتن فضاهای جمعی، کاهش حس تعلق، مهاجرت ساکنان و در نهایت محو منظر و هویت روستا را به دنبال داشته باشند. بنابراین، می‌توان گفت طرح‌های توسعه آینده باید مکان‌مند، مخاطب‌محور و مبتنی بر ادراک ساکنان باشند؛ بدین معنا که با تمرکز بر ظرفیت‌های طبیعی و فرهنگی مکان و درک انسان از محیط شکل گیرند. تنها در این صورت است که توسعه روستایی می‌تواند در هماهنگی با طبیعت و فرهنگ

توسعه همواره مفهومی مثبت و مترادف با پیشرفت تلقی می‌شود، اما در صورتی که فاقد رویکرد مکان‌محور باشد، می‌تواند به ضد خود بدل شده و به منظر روستا آسیب رساند. چنین روندی در نهایت منجر به بروز آسیب‌های ساختاری، عملکردی، هویتی و ارزشی در روستاها می‌گردد و تداوم حیات فرهنگی و فضایی آن‌ها را تهدید می‌کند. بر اساس مشاهدات میدانی و تحلیل‌های منظرین انجام‌شده در نمونه‌های مورد مطالعه، می‌توان نتیجه گرفت که طرح‌های توسعه روستایی موجود، به تدریج موجب دگرگونی منظر فرهنگی و طبیعی و تضعیف نقش مکان‌ساز آنها شده‌اند. این طرح‌ها با تمرکز بر توسعه کالبدی و عمرانی، اصالت و تاریخ زیسته روستاها را تحت تأثیر قرار داده و در عمل، توسعه را به مثابه «سوزی» و گذار از سنت به مدرنیته تعبیر کرده‌اند. بی‌توجهی به بستر طبیعی و زمینه فرهنگی روستاها، از جمله چشم‌اندازها، بافت کوهپایه‌ای و مؤلفه‌های مکان‌ساز همچون سه‌گانه منظر ایرانی (آب، درخت و کوه)، موجب ایجاد فضاهایی ناآشنا، بی‌هویت و گاه ناکارآمد برای ساکنان شده است. این وضعیت در حالی رخ می‌دهد که تمایل روزافزون اهالی برای «شهری شدن»، به صورت ظاهری، بیانگر نوعی پیشرفت تلقی می‌شود، اما در واقع به فاصله گرفتن از عناصر هویت‌بخش و تضعیف حس تعلق به مکان می‌انجامد. نتیجه این روند، پیدایش سکونتگاه‌هایی است که اگرچه از نظر کالبدی توسعه یافته‌اند، اما از منظر فرهنگی و ادراکی دچار فروپاشی شده‌اند. در چنین روستاهای «شهری شده‌ای»، حس تعلق از میان رفته و ساکنان نیز به تدریج از نقش خود در حفاظت از منظر طبیعی غافل می‌شوند. در واقع، حفاظت از منظر طبیعی، حفاظت از تاریخ زنده و پویای یک مکان است که روایت‌گر هویت و حافظه جمعی آن به‌شمار می‌رود. منظر، در حقیقت

پوشش گیاهی و مسیرهای دسترسی، به گونه‌ای بوده که همخوانی منظر با بافت تاریخی و طبیعی روستاها کاهش یافته است. از منظر ادراکی، ساکنان در بسیاری از موارد حس تعلق به مکان خود را از دست داده‌اند. این یافته نشان می‌دهد توسعه بدون توجه به اصول منظرین و عناصر فرهنگی-طبیعی، می‌تواند منجر به کاهش کیفیت تجربه مکانی و تقلیل هویت فرهنگی-روستایی شود. با توجه به داده‌های تحلیل تطبیقی، می‌توان نتیجه گرفت که ادغام اصول توسعه مکان محور با برنامه‌های توسعه، نقش مهمی در حفظ هویت و پایداری دارد. علاوه بر این، پژوهش حاضر تأکید می‌کند مداخلات توسعه باید به صورت همزمان با درک تجربیات زیسته و نیازهای اجتماعی ساکنان طراحی شود تا توسعه با حفاظت از منظر و هویت فرهنگی همسو باشد. در این راستا توجه به نکات ذیل ضروری است:

- توجه به همه منظرها (عدم تفکیک منظر خاص و منظر عادی)/
- درک ارزش منظرها/ توجه به آموزش جامعه محلی،
- عدم اعمال سیاست‌های هماهنگ در سطوح مختلف،
- به رسمیت شناختن روستاها به عنوان یک واحد مستقل و جلوگیری از تبدیل روستاها به شهر،
- تلاش جهت ایجاد سندهای راهبردی همچون اطلس منظر،
- نظارت مؤثر بر برنامه‌ها و میزان تأثیرگذاری آن‌ها/ اجرای یک سیستم پایش برای ارزیابی تأثیر بر مناظر و حفاظت از آن‌ها و عوامل مؤثر بر آن‌ها.

نتایج این مطالعه می‌تواند به عنوان راهنمایی علمی برای سیاستگذاران و برنامه‌ریزان روستایی مورد استفاده قرار گیرد، به ویژه در زمینه طراحی طرح‌های توسعه که همزمان با بهبود شرایط اقتصادی، حفاظت از منظر طبیعی و ارزش‌های فرهنگی را تضمین می‌کند.

بومی، ضمن حفاظت از منظر طبیعی، به تداوم حیات مکان و ارتقای کیفیت زندگی ساکنان بینجامد.

نتیجه‌گیری

چگونگی فهم یک پدیده، در نحوه برخورد با آن پدیده مؤثر است. بنابراین چگونگی فهم ما از مکان، در نحوه رویکرد ما در حفاظت از آن مکان مؤثر است. مبتنی بر مکان بودن به معنای توجه به ویژگی‌های رفتاری، انسانی، معنایی و فیزیکی مکان است و به دنبال یک رویکرد کل نگرانه قابل دستیابی است. رویکرد مکان محور به عنوان چارچوبی نظری و عملی، بر اهمیت ویژگی‌های خاص هر مکان در سیاست‌گذاری توسعه‌ای تأکید دارد. این رویکرد، منظر را نه تنها به عنوان زمینه‌ای برای توسعه، بلکه به عنوان منبعی فعال و پویا در خدمت توسعه معرفی می‌کند. توسعه‌ای پایدار و موفق است که از درون «مکان» برخیزد، نه اینکه از بیرون بر آن تحمیل شود. بنابراین «شناخت مکان» شرط لازم برای تحقق توسعه‌ای است که با منظر، فرهنگ و طبیعت هم‌افزا باشد. در این راستا منظر روستا به مثابه قسمی از مکان نیازمند حفاظت است. اقداماتی که به نام توسعه در روستاها انجام شده است، نه تنها منجر به مخدوش کردن نه یک جزء، بلکه باعث لطمه به کل شده است. توسعه باید سمت حفاظت باشد و اقدامات حفاظت از منظر روستاها بایستی در برنامه‌های توسعه به عنوان یک رکن اصلی در نظر گرفته شود. تحلیل‌های صورت گرفته در این پژوهش نشان می‌دهد که طرح‌های توسعه در روستاهای شهرستان کوه‌دشت، با وجود برخی اهداف اقتصادی و اجتماعی مثبت، تغییرات قابل توجهی در ساختار منظر طبیعی و هویت مکانی ساکنان ایجاد کرده‌اند. مشاهده‌های میدانی حاکی از آن است که تغییرات کالبدی-فضایی، از جمله ایجاد سازه‌های جدید، تغییر کاربری اراضی و دستکاری عناصری مانند

پی‌نوشت‌ها

- * این مقاله حاصل طرح پژوهشی «توسعه مکان محور؛ خوانش منظر روستایی در منطقه کوه‌دشت» است که زیر نظر دکتر «سید امیر منصوری» در سال ۱۴۰۲ در پژوهشکده هنر، معماری و شهرسازی نظر به انجام رسیده است.
۱. Genius Loci: Towards a Phenomenology of Architecture (۱۹۸۰)
 ۲. genius loci
 ۳. sense of place

۴. Place-Based Approach

۵. Rural Landscape

۶. نظر علی خان غضنفری، یکی از مقتدرترین خوانین ایلات و عشایر ایران به واسطه زیرسلطه داشتن لرستان پشتکوه به خصوص منطقه سوق الجیشی طرهان به عنوان مسیر پرتدد فصلی طوایف و عشایر کوچ‌رو لرستان (Rahmati, M., & Dalvand, 2020).

فهرست منابع

- in the formation of the landscape of Kamu Village. *MANZAR, The Scientific Journal of Landscape*, 12(52), 28-37. <https://doi.org/10.22034/manzar.2020.226462.2059>
- Adinehvand, M., Rezaei Yeganeh, M., & Sepahvand, E. (2016) Study of the socio-political situation in the region of Tarhan during Qajar era. *Research Journal of Iran Local Histories*, 4(7), 142-156. https://localhistories.journals.pnu.ac.ir/article_2319.html?lang=fa
 - Antrop, M. (2005). *Why landscapes of the past are important for the future*.

- پروری، مراد. (۱۳۸۹). *طرح هادی روستای پای آستان*. بنیاد مسکن انقلاب اسلامی.
- جهانیان، ناصر. (۱۳۷۷). تحول مفهوم توسعه و ارتباط آن با دین. *قیسات*، ۳(۷)، ۱۰۹-۱۱۹. https://qabasat.iict.ac.ir/article_16982.html?lang=fa
- Abarghohi Fard, H. (2019). A contemplation on ritual landscape representations in Kerman Province. *Journal of Art and Civilization of the Orient*, 7(24), 13-20. <https://doi.org/10.22034/jaco.2019.89248>
- Abarghouei Fard, H., & Saboonchi, P. (2020). Landscape as symbolic nature: Contemplation of the representative role of natural elements

Landscape and Urban Planning.

- Barca, F., McCann, P., & Rodríguez-Pose, A. (2012). The case for regional development policy: Place-based versus place-neutral approaches. *Journal of Regional Science*, 52(1), 134–152. <https://doi.org/10.1111/j.1467-9787.2011.00756.x>
- Domon, G. (2011). Landscape as resource: Consequences, challenges and opportunities. *Landscape and Urban Planning*, 100(4), 338–340. <https://doi.org/10.1016/j.landurbplan.2011.02.014>
- *European Landscape Convention (ELC)*. (2000). Council of Europe. Florence.
- Gerber, J.-D., & Hess, G. (2017). From landscape resources to landscape commons: Focusing on the non-utility values of landscape. *International Journal of the Commons*, 11(2), 708–732.
- Healey, P. (2006). *Collaborative planning: Shaping places in fragmented societies*. Palgrave Macmillan.
- Hester, R.T. (1987). Community design: making the grassroots whole. *Built Environment*, 13(1), 45–60. <https://www.jstor.org/stable/23286243>
- Hunziker, M., Buchecker, M., & Hartig, T. (2007). Space and place – Two aspects of the human-landscape relationship. In F. Kienast, O. Wildi, & S. Ghosh (Eds.), *A changing world: Challenges for landscape research* (Landscape Series, Vol. 8, pp. 47–62). Springer.
- Kizos, T., & Iosifides, T. (2007). *The contradictions of agrotourism development in Greece*. Sociologia Ruralis. <https://doi.org/10.1080/13608740601155443>
- Li, X., Zhou, Y., & Xun, G. (2022). Evaluation of rural landscape resources based on cloud model. *Land*, 11(1), 60. <https://doi.org/10.3390/land11010060>
- Makhzoumi, J., & Pungetti, G. (1999). *Ecological landscape design and planning*. Taylor & Francis.
- Mansouri, S. A. (2020). Tourism of culture based on a conceptual difference between culture and cultural. *Tourism of Culture*, 1(1), 5–8. <https://doi.org/10.22034/jct.2020.110920>
- Massey, D. (1994). *Space, place and gender*. Polity Press.
- Rahmati, M., & Dalvand, K. (2020). Nazar Ali Khan of Amraei and the riot of Salar al-Dowleh. *Research Journal of Iran Local Histories*, 8(16), 143–160. <https://doi.org/10.30473/lhst.2020.7052>
- Rajab Bojani, N. (2024). The impact of non-place-based development on the cultural landscape of villages; Destruction of heritage, values, and identity (Case study: Villages of Kuhdasht County). *MANZAR, the Scientific Journal of Landscape*, 16(67), 62–67. <https://doi.org/10.22034/manzar.2024.440505.2278>
- Rega, C. (2014). *Landscape planning and rural development: key issues and options towards integration*. Springer.
- Relph, E. (1976). *Place and Placelessness*. Pion.
- Rezaei, Z. (2024). Protection of the natural landscape of a village, and protection of the place-making index in the development process. *Tourism of Culture*, 5(16), 52–55. <https://doi.org/10.22034/toc.2024.444045.1149>
- Sauer, C. (2008). The morphology of landscape. In T. Oakes & P. L. Price (Eds.), *The cultural geography reader* (pp. 108–116). Routledge.
- Stephenson, J. (2008). The cultural values model: An integrated approach to values in landscapes. *Landscape and Urban Planning*, 84(2), 127–139. <https://doi.org/10.1016/j.landurbplan.2007.07.003>
- Termorshuizen, J. W., & Opdam, P. (2009). Landscape services as a bridge between landscape ecology and sustainable development. *Landscape Ecology*, 24(8), 1037–1052. <https://link.springer.com/article/10.1007/s10980-008-9314-8>
- Tuan, Y.-F. (1977). *Space and place: The perspective of experience*. University of Minnesota Press.

COPYRIGHTS

Copyright for this article is retained by the authors with publication rights granted to Manzar journal. This is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).



نحوه ارجاع به این مقاله

مجیدی، مریم؛ رجب‌بوجانی، نگین و رضائی، زینب. (۱۴۰۴). منظر به‌منابۀ منبع توسعه (حفاظت از منظر روستا، گامی مهم در فرایند توسعه، مورد مطالعه: روستاهای شهرستان کوهدشت). منظر، ۱۷ (۷۳)، ۵۰–۶۳.



DOI: [10.22034/manzar.2025.556542.2379](https://doi.org/10.22034/manzar.2025.556542.2379)

URL: https://www.manzar-sj.com/article_235024.html